

پژوهش نامه نقد وهابیت؛ سراج منیر ♦ سال چهارم ♦ شماره ۱۵ ♦ پاییز ۱۳۹۳

صفحات: ۵۱-۶۸ ♦ تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۳/۰۵ ♦ تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۰۷/۱۴



کفر و جهاد از منظر حزب التحریر

محمدعلی دهقان تفتی*

چکیده

حزب التحریر جنبشی است که از چند دهه پیش در منطقه خاورمیانه و کشورهای اسلامی بر پایه اسلام و با هدف احیای اسلام شکل گرفته است. حزب التحریر همچون فرقه‌های سلفیه و گروه‌هایی نظیر اخوان المسلمین، القاعده، طالبان و ... گونه‌ای از بنیادگرایی و مبارزه با مظاهر تجدد و نظام اجتماعی - سیاسی ملل غربی را در پیش گرفته است، اما تمرکز این گروه بر مسئله حکومت سیاسی و احیای خلافت اسلامی است. ویژگی اصلی حزب التحریر و حربه آنها کلام بلیغ و آتشین جهاد است. حزب التحریر با نظام کفر دانستن دموکراسی، آن را نظامی بشری و نه مبتنی بر وحی و تعالیم انبیا دانسته، معتقد است جوامع اسلامی نیز به رغم مسلمان بودن، افکار خویش را با آموزه‌های فرهنگ غرب و همچنین اندیشه‌های قومی، ملی و طایفه‌ای ممزوج کرده‌اند و چون بسیاری از این اندیشه‌ها در تضاد کامل با آموزه‌های اسلام و احکام شریعت است، انحراف از اسلام و گرایش به کفر را در پی خواهد داشت و در نتیجه جهاد با آنها واجب است. با این حال، از نظر سران حزب، فراگیری صنایع نظامی از ملل غربی در هر شکل آن، به دلیل اینکه نص صریح برای ممنوعیت آن وجود ندارد، مباح است.

کلیدواژه‌ها: حزب التحریر، شیخ تقی‌الدین النهبانی، دارالکفر، دموکراسی، جهاد.

* دانشجوی دکتری کلام امامیه، دانشگاه تهران (پردیس فارابی)

dehghantafti@yahoo.com

مقدمه

یکی از جنبش‌هایی که چند دهه‌ای است در منطقه خاورمیانه و کشورهای اسلامی متولد شده، جریانی است موسوم به «حزب التحریر» که بر پایه اسلام و با هدف احیای اسلام شکل گرفته است. حزب التحریر اگرچه خود را یک حزب سیاسی می‌داند، اما حزبی کاملاً ایدئولوژیک است، که با تکیه بر قرآن و احادیث پیامبر ﷺ و سیره خلفا، به تبلیغ و اشاعه آموزه‌های خویش می‌پردازد. حزب التحریر در ۱۹۵۳ به دست شیخ تقی الدین النهبانی، عالم فلسطینی با هدف از سرگیری حیات اسلام و ابلاغ پیام اسلام به سراسر جهان شکل گرفت. اندیشه‌های نهبانی بسیار متأثر از سید قطب بوده است.^۱ به همین دلیل، اندیشه رجوع به سنت پیامبر ﷺ و صحابه و احیای آن و مبارزه با آموزه‌های جدیدی که آن را در تضاد با سنت متقدم اسلام می‌داند، در ذهن او شکل گرفته است.

نهبانی در بیان مفاهیم حزب التحریر با اشاره به افول امپراتوری عثمانی از اواسط قرن ۱۸ میلادی و سقوط آن در اواسط قرن بیستم، معتقد است عالم اسلام از آن زمان دچار انحطاط شده است که ناشی از ضعف در فهم اسلام است.^۲ این مسئله [افول دولت عثمانی] را البته می‌توان نقطه شروع مبارزات جریان‌هایی چون اخوان المسلمین و مبارزانی مثل حسن البنا نیز دانست. نهبانی، خود نیز یکی از اعضای اخوان المسلمین بود که در ۱۹۵۳ از این حزب جدا شد.^۳ به همین سبب برخی از پژوهش‌گران، حزب التحریر را شاخه‌ای جدا شده از اخوان المسلمین دانسته‌اند، هرچند حزب التحریر چنین ادعایی را رد کرده است.^۴

۱. حسن حضرتی و عبدالواحد قادری، «اندیشه سیاسی حزب التحریر».

۲. تقی الدین النهبانی، مفاهیم حزب التحریر، ص ۳.

۳. مرنضی شیروودی، «جهان‌شمولی حزب التحریر الاسلامی، زنگ خطری برای آمریکا».

۴. حسن حضرتی و عبدالواحد قادری، «اندیشه سیاسی حزب التحریر».

حزب التحریر رسالت خود را عمل به قرآن و کلام پروردگار و قیام خود را استجابت دعوت الهی و اجرای فرمان وی در آیه «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَالِحُونَ»^۱ می‌داند.

طبق گزارشی که بنیاد پژوهشی میراث^۲ در ۲۰۰۳ تهیه کرده و در مطبوعات آمریکا به قلم دکتر آریل کوهن چاپ شده است، حزب التحریر در چهل کشور جهان فعالیت می‌کند و در هیچ یک از آنها دفتر قانونی و مکان رسمی برای فعالیت ندارد.^۳ بیشترین فعالیت حزب التحریر در آسیای مرکزی، در ازبکستان متمرکز است و پس از آن در تاجیکستان بیشترین هواداران را دارد. بنا بر تخمین کوهن، این حزب دارای ۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ عضو است. تشکیلات این حزب در سطوح بالا مخفی است، اگرچه در سطوح پایین، هواداران این حزب ابایی از آشکارسازی رابطه خود با حزب ندارند. علی‌رغم اینکه حزب التحریر عملیات نظامی و تروریستی را رد می‌کند و معتقد است تا زمانی که امت صالحی تشکیل نشود، امکان تشکیل حکومت اسلامی وجود ندارد، اما برخی از حکومت‌ها این حزب را به دست داشتن در بمب‌گذاری و عملیات‌های تروریستی متهم کرده‌اند.^۴

جهاد

ویژگی اصلی حزب التحریر و حربه آنها کلام بلیغ و آتشین جهاد است.^۵ حزب التحریر معتقد است جوامع اسلامی به رغم مسلمان بودن، افکار خویش را با آموزه‌های فرهنگ غرب و همچنین اندیشه‌های قومی، ملی و طایفه‌ای ممزوج کرده‌اند^۶ و چون بسیاری از این اندیشه‌ها در تضاد کامل با آموزه‌های اسلام و احکام شریعت است، انحراف از اسلام و گرایش به کفر را در پی خواهد داشت. در نظام اسلامی، فقط احکام شریعت اسلام باید

۱. سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۰۴.

2. Heritage.

۳. مرتضی شیرودی، «جهان‌شمولی حزب التحریر الاسلامی، زنگ خطری برای آمریکا».

۴. سید رسول موسوی، «ازبکستان در مسیر انقلاب یا اصلاحات».

۵. مرتضی شیرودی، «جهان‌شمولی حزب التحریر الاسلامی، زنگ خطری برای آمریکا».

۶. حزب التحریر، منهج حزب التحریر فی التعلیل، ص ۳.

اجرا شود. نسخه‌برداری از قوانین کشورهای دموکراتیک در حوزه افعال و اعمال انسانی و تقلید از آنها به خصوص در امر قانون‌گذاری و حکومت‌داری پیروی از کفر خواهد بود. پس امت اسلام برای رهایی از امتزاج با کفر راهی جز قرار گرفتن زیر پرچم یک امت واحد و رها کردن علائق و گرایش‌های قومیتی و ملیتی و همچنین نظام‌های حکومتی برگرفته از غرب و شرق و در نتیجه تشکیل یک حکومت واحد، تحت رهبری واحد را ندارد.^۱ بر اساس این عقیده است که حزب، تمام همت خود را برای مبارزه با لیبرال‌دموکراسی و کمونیسم به عنوان دو رویکرد و دو نظام سیاسی غالب در جهان به کار بسته است. این مبارزه صرفاً مبارزه‌ای سیاسی نیست. از نظر حزب التحریر، مبارزه با کفر و مظاهر آن طبق فرمان الهی و سیره پیامبر ﷺ، جهاد فی سبیل الله و واجب است. مبارزه با نظام کفر محدود به جهاد با قدرتهای جهانی و مروجان دموکراسی و کمونیسم نیست، بلکه مبارزه با سرمداران کشورهای اسلامی، که چنین نظام‌هایی را خواه به طور کلی و خواه به واسطه به کارگیری آموزه‌های آن پذیرفته‌اند، مشمول این جهاد خواهد بود.^۲

بنا به گزارش بنیاد پژوهشی میراث، رسالت حزب التحریر، جهاد با سرمایه‌داری ظالمانه، رژیم‌های وابسته، آمریکا و متحدانش و همچنین کشورهای سازش‌کار مسلمان است.^۳

نهبانی در تعریف خود از جهاد می‌نویسد: «جهاد بذل و توسع و توانایی در راه قتال فی سبیل الله است. خواه به طور مستقیم و خواه به واسطه مال، رأی (مثل کتابت و خطابه) یا

۱. حزب التحریر (تعریف)، ص ۶۸.

۲. در یکی از مهم‌ترین منشورات حزب التحریر آمده است: «اما واقع البلاد الاسلامیه و منها العربیه فإنها تحکم جميعها - وللأسف - بأنظمة الکفر و أحكامه، عدا بعض أحكام الاسلام ... أما واقع الدار التي يعيش فيها المسلمون اليوم فی جميع أقطار المعمورة، فهو واقع دار الکفر، و ليس واقع دار الاسلام» (حزب التحریر منهج حزب التحریر فی التغبیر، ص ۳ و ۴). همچنین در سند تعریف حزب که در سایت رسمی حزب منتشر شده است، چنین آمده: «أما دار الاسلام التي يحکم فيها بما أنزل الله، فإنه لو قام حاکمها، و حکم بالکفر الصراح، فيجب على المسلمين أن ينکروا علیه ذلك، و أن يحاسبوه ليرجع إلى الحکم بالاسلام، فإن لم يرجع، و جب عليهم حمل السلاح فی وجهه ليرغموه على أن يعود إلى الحکم بما أنزل الله» (حزب التحریر (تعریف)).

۳. مرتضی شیرودی، «جهان‌شمولی حزب التحریر الاسلامی، زنگ خطری برای آمریکا».

تکثیر دانش و غیره باشد. پس جنگ در راه ترویج کلمه الله جهاد است.^۱ درباره جهاد به وسیله رأی، نهبانی فقط رأیی را به لحاظ شرعی جهاد می‌داند که مباحثاً به قتال در راه خدا تعلق داشته باشد، ولو اینکه در آن مشقاتی باشد، یا در جهت ترویج و اعتلای کلمه الله فوایدی بر آن مترتب شود، زیرا جهاد مختص به قتال است.^۲

اگرچه حزب التحریر هر گونه مشی تروریستی را در مورد خود نفی می‌کند^۳ و تلاش خود را فقط تلاشی ایدئولوژیک و سیاسی می‌داند، اما برخی از آموزه‌های آن درباره جنبش نظامی قابل تأمل است. همان‌گونه که ذکر شد، از نظر حزب در عصر حاضر جهاد بر هر مسلمانی واجب است، زیرا آمریکا به عنوان قطب سیاسی و نظامی جهان و یکی از سردمداران تمدن غرب، تمام تلاش خود را برای ترویج آموزه‌های خود به کار بسته است. این آموزه‌ها به وضوح در تناقض با اسلام است، پس مواجهه مسلمانان با آمریکا به طور خاص و فرهنگ و تمدن غرب به طور کلی، مواجهه اسلام با کفر است.^۴ از سوی دیگر، جهاد نیز مختص به قتال است و قتال در راه خدا نیازمند اسبابی است و تلاش برای برتری یافتن مسلمانان از جهت اسباب و ادوات جنگی لازم به نظر می‌رسد. بر همگان نیز پوشیده نیست که سردمداران تمدن غربی، به ویژه آمریکا، در زمینه توسعه تولید سلاح‌های کشتار جمعی از هیچ کوششی دریغ نکرده‌اند. عبدالقدیم زلوم، عالم فلسطینی که پس از نهبانی رهبری حزب را بر عهده داشته است، این‌گونه استدلال می‌کند که اصل بر این قرار است که هر آنچه مرتبط با اعمال انسانی است جایز است، مگر اینکه گواهی بر

۱. تقی الدین النهبانی، الشخصیه الاسلامیه، ص ۱۴۴.

۲. همان.

۳. حزب التحریر در بیانیه‌ای که خطاب به مسئولان دستگاه دیپلماسی تونس و همچنین نمایندگان سیاسی و سفرای کشورهای غربی در آن کشور در پنجم جولای ۲۰۱۴ منتشر کرده است، می‌نویسد: «وہاکم ردّ حزب التحریر افہموہ وانقلوہ لآسیادکم: ردّنا لن یكون إرہابا فحزبُ التحریر لا یتبنی ذلک وما ینبغی لہ و هو ما یغیظُ المستعمرین» «حزب التحریر - تونس حزب التحریر فوق مکرمهم وفوق حساباتہم»، سایت رسمی حزب التحریر، ۵ جولای ۲۰۱۴ م، <http://www.hizb-ut-tahrir.org/index.php/AR/wshow/2500>.

۴. در منشور تعریف حزب التحریر آمده است: «الديمقراطيه الرأسماليه هي مبدأ دول الغربيه و أمريكا و هي مبدأ فصل الدين عن الدوله ... و هذا المبدأ هو مبدأ کفر يتناقض مع الاسلام لأن الله هو المشرع و هو وحده الذى وضع النظام البشرى» (حزب التحریر (تعريف)، ص ۵۰).

ممنوعیت آن وجود داشته باشد.^۱ بنابراین، سکوت شرع درباره یک مسئله به معنای جواز آن خواهد بود. بر اساس سخن حق تعالی در قرآن، آسمان‌ها و زمین مسخور انسان‌ها قرار داده شده‌اند و این کنایه از مجاز بودن هر چیزی برای انسان به طور عام است.^۲ بنا بر سنت الهی، هر آنچه بر روی زمین خلق شده است، برای انسان و با هدف بهره‌گیری انسان از آن است. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا﴾.^۳ زلوم از این بیان نتیجه بسیار مهمی می‌گیرد. وی معتقد است فراگیری همه صنایع، خواه نظامی و خواه غیرنظامی، به جز «صنایع پیکره‌سازی و ساخت صلیب و نیز تولید الکل» به دلیل اینکه نص صریح در منع آن وجود دارد، مجاز است. زیرا اینها به طور عام در شریعت اجازه داده شده‌اند و به اصطلاح «مباح» هستند.^۴ از دید زلوم، فراگیری صنایع نظامی در هر شکل آن به دلیل اینکه نص صریح برای ممنوعیت آن وجود ندارد، مباح است. بنابراین، فراگیری ساخت کارخانجات تولید تانک‌های نظامی، جنگنده‌ها، سلاح‌های کشتار جمعی از جمله بمب‌های هیدروژنی، اتمی، الکترونیکی و شیمیایی و همچنین سلاح‌های سبک مجاز است. با این دیدگاه به نظر می‌رسد به کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی از نظر حزب التحریر نه تنها مباح است که به جهت وجوب قتال با کفار و از آنجایی که دشمنان اسلام همه دارای این سلاح‌ها هستند، لازم هم به نظر می‌رسد. حال اگر این باور همراه با عقیده وجوب جهاد با حکام کشورهای مسلمان که آموزه‌های غرب را پذیرفته‌اند، در نظر گرفته شود، اهمیت این مسئله بیشتر روشن خواهد شد.

کفر و تمدن غرب

زلوم در کتاب خود با عنوان دموکراسی، نظام کفر به تفصیل، دلایل خود را بر اثبات ادعای حزب التحریر مبنی بر کفرآمیز بودن آموزه‌های غرب، به ویژه نظام

1. Abdul Qadeem Zalloom, *Democracy is a system of Kufr*, P. 21.

۲. سوره لقمان (۳۱)، آیه ۲۰.

۳. سوره بقره (۲)، آیه ۲۹.

4. Abdul Qadeem Zalloom, *Democracy is a system of Kufr*, p. 27.

لیبرال دموکراسی مطرح کرده است. زلوم ابتدا شرحی از ویژگی‌های لیبرال دموکراسی و به طور کلی نظام اجتماعی و سیاسی غرب می‌آورد و سپس با ارائه آیاتی از قرآن و روایاتی از پیامبر اسلام (ص)، می‌کوشد ثابت کند که فرهنگ و تمدن غرب و به خصوص نظام لیبرال دموکراسی در تضاد کامل با فرهنگ و تمدن اسلامی و در نتیجه نظام کفر است.^۱ زلوم مشابه همین رویکرد را در مورد کمونیسم و ماتریالیسم دیالکتیک به عنوان قطب دیگر نظام اجتماعی و سیاسی جهان معاصر دارد. نه‌بانی نیز در بسیاری از آثار خود تمدن غرب را در تضاد کامل با تمدن اسلامی دانسته است و در نتیجه نظام غرب را نظام کفر می‌داند. در ادامه اشاره‌ای به دلایلی که سران حزب التحریر برای تکفیر فرهنگ و تمدن غرب، به ویژه لیبرال دموکراسی به عنوان اساسی‌ترین تفکر نظام غرب می‌آورند، خواهیم داشت.

دموکراسی، نظامی بشری

دموکراسی محصول ذهن بشر است نه از سوی خدا. دموکراسی متکی بر وحی نیست و هیچ ارتباطی با شریعت وحی شده از سوی خدا ندارد. مؤسسان و مروجان دموکراسی، آموزه‌های خویش را از دل منابع مبتنی بر وحی، یعنی کتاب خدا و سیره رسولانش به دست نیاورده‌اند. چنین نظامی همانند همه مکاتب بشری دیگر، بی‌شک ناقص و در موارد متعددی در تناقض با آموزه‌های وحی است.^۲

تمدن غرب و لائیسیت

دموکراسی به عنوان اصلی‌ترین نظام اجتماعی و سیاسی تمدن غرب، نشئت گرفته از عقیده جدایی دین از زندگی و در نتیجه جدایی دین از حکومت است،^۳ یعنی آنچه امروز با

1. Abdul Qadeem Zalloom, *Democracy is a system of Kufr*, p. 5-11.

۲. زلوم در کتاب دموکراسی، نظام کفر می‌نویسد: «الديمقراطية نظام حكم وضعه البشر، من أجل التخلص من ظلم الحكام، و تحكمهم بالناس باسم الدين، فهو نظام مصدره البشر، و لاقلاقه له بوحى أو دين»؛ عبدالقديم زلوم، الديمقراطية نظام كفر، ص ۲.

3. Abdul Qadeem Zalloom, *Democracy is a system of Kufr*, p. 7.

عنوان لائیسیتته شناخته می‌شود. برخی از ملت‌های مسلمان نیز، رسماً یا عملاً، حکومت‌هایی لائیک دارند و لائیسیتته و سکولاریسم در اکثر قریب به اتفاق کشورهای دموکراتیک پذیرفته شده است. اگر کفر را نفی ضروریات دین بدانیم بدون شک دموکراسی به طریق اولی کفر است، زیرا دموکراسی نفی کلیت دین و حذف آن از زندگی است. از سوی دیگر، دموکراسی منشأ دو نظریه است که در واقع اصول اساسی آن است:^۱

- حق حاکمیت از آن مردم است.

- مردم منشأ اعتبار، صلاحیت و مشروعیت حاکم هستند نه خدا، وحی، وراثت و ... بر اساس این اصول حق حاکمیت از طرف خدا یا پیامبر به هیچ کس داده نشده است و اگر هم داده شده به رسمیت شناخته نمی‌شود. زیرا این مردم هستند که از حق حاکمیت برخوردارند. اعتبار و مشروعیت یک حاکم به این نیست که از سوی خدا معین شده باشد، بلکه وابسته به پذیرش از سوی مردم است. این عقیده بی‌شک نشئت گرفته از لائیسیتته است. بنابراین، دموکراسی حکمرانی اکثریت مردم است و انتخاب حاکم و نمایندگان پارلمان بر اساس رأی اکثریت آنهاست. تصویب قوانین و رسمیت یافتن آن در گرو رأی اکثریت به آن است و تطابق آن با احکام شریعت یا آموزه‌های قومی، ملی و دینی مردم، تأثیری در تصویب آن ندارد. این اکثریت مردم هستند که تصمیم می‌گیرند چه چیزی به عنوان قانون در جامعه اجرا شود، یا چه کسی رهبری آنها را بر عهده بگیرد. هیچ ایدئولوژی یا مکتبی نمی‌تواند قانون یا رهبری یک فرد را بر مردم تحمیل کند. این رویکرد عملاً به معنای کنار گذاشتن احکام شریعت و وحی است.^۲ حتی اگر همه افراد دارای حق رأی مسلمان باشند، هیچ تضمینی وجود ندارد که رأی آنها مبتنی بر آموزه‌های وحیانی و سیره پیامبر اسلام ﷺ و صحابه باشد. بدون شک علائق و باورهای ملی و قومی در رأی

1. Abdul Qadeem Zalloom, *Democracy is a system of Kufr*, p. 8.

۲. زلوم در این خصوص می‌نویسد: «الدمقراطیه هی حکم الاکثریه ... الیمقراطیه هی من وضع عقول البشر، و لیست من الله، و هی لا تستند الی وحی السماء، و لا تمت بصله لای دین من الادیان الّتی أنزلها الله علی رسله»؛ عبدالقدیم زلوم، الیمقراطیه نظام کفر، ص ۴.

آنها دخیل است و این روش گشودن راهی به سوی کفر خواهد بود. اولاً همه افراد کاملاً عالم به احکام شریعت و فهم منابع وحی نیستند و از سوی دیگر، هر یک از انسان‌ها برای خود منافع و علائقی دارند که می‌تواند رأی آنها مبتنی بر آنها باشد نه مبتنی بر قوانین و احکام شرعی. این مسئله در مورد نمایندگان مردم که به امر قانون‌گذاری می‌پردازند نیز صادق است. بنابراین، بدون شک تکیه بر رأی اکثریت جز انحراف از اسلام و قوانین شرع نتیجه‌ای نخواهد داشت و تدوین قوانین غیرشرعی همه افراد جامعه را به سوی کفر سوق خواهد داد.

آزادی عمومی

تمدن غرب و به طور خاص دموکراسی، مدافع آزادی عمومی است. آزادی عمومی را می‌توان در چهار وجه در نظر گرفت که عبارت‌اند از:^۱

- آزادی عقیده
- آزادی اندیشه
- آزادی مالکیت
- آزادی شخصی

این چهار گونه از آزادی، مفاهیمی هستند که اسلام ارائه نکرده، بلکه ساخته مکاتب بشری است. آزادی عمومی به معنای نفی هر گونه محدودیت و چارچوب رفتاری است و حال اینکه اعمال و رفتارهای انسانی باید مطابق با قوانین و احکام شریعت باشد. هر گونه اعتقاد به آزادی غیرمقید، در تضاد با آموزه‌های دینی است. اساساً دین به واسطه ترسیم خطوط راه و تعیین حدود است که می‌تواند کارکرد داشته باشد، پس با این توصیف دموکراسی نتیجه‌ای جز خنثا کردن احکام شریعت نخواهد داشت.

1. Abdul Qadeem Zalloom, *Democracy is a system of Kufr*, p. 10.

وجوب جهاد و مبارزه با تمدن غرب

زَلُوم با این توصیفات و مشخصاتی که برای نظام اجتماعی و سیاسی غرب و دموکراسی ارائه می‌دهد معتقد است نظام لیبرال دموکراسی، نظام کفر است و مبارزه با آن بر مسلمانان واجب است. وی به منظور استدلال بر اثبات مدعای خود نکات زیر را بیان می‌کند:^۱

۱. بر اساس مکتب اسلام همه اعمال انسان و هر چیزی که مرتبط با اعمال انسانی است، باید پیرو پیامبر ﷺ و منحصر در احکام پیام او باشد. جامعیت احکام شرع نشان‌دهنده لزوم رجوع به شرع و پای‌بندی به احکام آن است. اسلام از تبیین هیچ امری که مرتبط با اعمال انسانی باشد فروگذار نکرده است و هیچ امری را به خود وا نگذاشته است. تلاش انسان برای فهم مسئله‌ای از مسائل مربوط به افعال انسان بی‌نتیجه نخواهد بود، پس رجوع به غیر آن منطقاً جایز نیست. مسلمان فقط جایز است چیزهایی را بپذیرد که امر خدا و پیامبر بر آن تعلق گرفته و از چیزهایی دوری کند که خدا و رسولش نهی فرموده‌اند. مستند قرآنی این مطلب نیز سخن خداوند متعال در قرآن است که می‌فرماید: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَاتَّقُوا﴾.^۲ وی به آیه دیگری از قرآن کریم نیز استناد می‌کند که در آن خداوند متعال به انسان امر کرده است که در تنازع و اختلاف، فقط به خدا و رسول او رجوع کنند و به حکم او گردن نهند: ﴿فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ﴾.^۳ بنا بر روایاتی از رسول اکرم ﷺ [که بخاری آنها را در صحیح خود نقل کرده است] مؤمنان به رد آنچه بدان امر نشده است فرمان داده شده‌اند: «مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ». بخاری حدیث دیگری نیز از پیامبر نقل می‌کند که حاوی همان مضمون است: «مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ فِيهِ فَهُوَ رَدٌّ». مجموع این آیات و روایات وجوب پیروی از شرع و انحصار اعمال انسان به آن را نشان می‌دهد. بنابراین،

1. Abdul Qadeem Zalloom, *Democracy is a system of Kufr*.

۲. سوره حشر (۵۹)، آیه ۷.

۳. سوره نساء (۴)، آیه ۵۹.

انجام و ترک هیچ عملی جایز نیست، مگر پس از اطلاع از حکم شرع در مورد آن. انسان مسلمان موظف است در مورد هر یک از اعمال خود ابتدا با رجوع به منابع شریعت، حکم خدا و پیامبر را در خصوص آن بیابد.

۲. شریعت اسلام محدود به مکان و زمان خاصی نیست و حاوی احکامی است برای وقایع گذشته، مسائل امروز و همه رویدادهایی که ممکن است اتفاق بیفتد. بنابراین، همه اعمال انسان را به طور جامع و کامل در بر می‌گیرد. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ﴾.^۱ شریعت اسلام برای حکم به هر عمل انسانی، یا شواهدی را در متون قرآن و حدیث بیان کرده است، یا اینکه نشانه‌هایی را قرار داده است که به واسطه آنها هدف خود را بیان می‌کند. به عبارت دیگر، هیچ عمل انسانی را نمی‌توان یافت که در شریعت اسلام نشانه یا دلیلی برای حکم به آن وجود نداشته باشد یا محدود به زمان و مکان مشخصی باشد.

۳. با توجه به حقیقت جامعیت شریعت اسلام، برای یک مسلمان جایز نیست از ملل و مردمان دیگر و از مکاتب و فرهنگ‌های غیراسلامی چیزی را دریافت و اقتباس کند که در شریعت مجوزی برای آن صادر نشده است. اما اتخاذ اندیشه‌های مرتبط با علم، صنعت، خلاقیت و ابداع و پیشرفت‌های مرتبط با آن، به شرط ناسازگاری نبودن با اسلام مجاز خواهد بود. زیرا این اندیشه‌ها مربوط به عقاید و احکامی از شریعت نیستند که مسائل بشر در زندگی را حل می‌کنند. به علاوه اینکه آنها از جمله امور مجازی‌اند که انسان برای امور زندگی خود از آنها استفاده می‌کند. شاهد این مسئله نیز آیاتی است که از انسان خواسته شده است تا از همه مواهب دنیا بهره‌بردارد. پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «إِذَا أَمَرْتُكُمْ بِشَيْءٍ مِنْ دِينِكُمْ فَخُذُوا بِهِ وَإِذَا أَمَرْتُكُمْ بِشَيْءٍ مِنْ أُمُورِ دُنْيَاكُمْ فَإِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ». شاهد دیگر برای این مسئله این روایت از تاریخ است که پیامبر اسلام ﷺ افرادی را برای یادگیری ساخت شمشیر به مناطق دیگر می‌فرستاد. همچنین پیامبر اکرم ﷺ دیگران را در امور دنیا داناتر از خود می‌دانست و می‌فرمود: «أَنْتُمْ أَدْرَى بِشُؤْنِ دُنْيَاكُمْ». بنابراین،

۱. سوره نحل (۱۶)، آیه ۸۹.

دریافت علومى چون پزشکی، مهندسى، رياضيات، نجوم، شیمی، فیزیک و ... [چون علوم عامی هستند که مختص به آیین خاصی از جمله اسلام نیستند] مجاز است، البته تا زمانی که در تناقض با اسلام نباشد. بر این اساس، مثلاً جایز نیست مسلمان نظریه داروین را که می‌گوید اساس انسان میمون است، بپذیرد. زیرا در تضاد با آموزه‌های اسلام است. چون خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ﴾.^۱ همچنین در آیاتی از قرآن آفرینش انسان از خاک (تراب) دانسته شده است.^۲

بر اساس آموزه‌های حزب التحریر و با توجه به اندیشه‌های مرتبط با احکام شریعت و اندیشه‌های مرتبط با تمدن اسلام و دیدگاه آن درباره زندگی بشر، همه اندیشه‌های انسان باید مطابق با شریعت اسلام باشد. به عبارت دیگر، همه اندیشه‌های بشر باید مطابق با منابع مبتنی بر وحی، یعنی کتاب خدا، سنت پیامبر ﷺ و همچنین هر آنچه قیاس و اجماع صحابه نشان‌دهنده آن است، باشد. زیرا:

– خدا به ما امر کرده است که هر آنچه را که پیامبر فرموده است أخذ کرده، از آنچه نهی کرده است دوری کنیم. خداوند در آیه هفتم سوره حشر ما را از أخذ هر چیزی غیر از آنچه پیامبر فرموده نهی می‌کند.

– خداوند ما را به اطاعت از خود و پیامبرش فرمان داده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ﴾؛^۳ و اطاعت از خدا و پیامبر بدون پذیرش و عمل به احکام شریعت تمام نخواهد بود.

– خداوند به مسلمانان فرمان داده است که به قضاوت خداوند و پیامبرش گردن نهند و در منازعات خویش به آن رجوع کنند: ﴿وَمَا كُنْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا الْمُؤْمِنَاتِ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ﴾^۴ ... ﴿فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾.^۵

۱. سوره الرحمن (۵۵)، آیه ۱۴.

۲. سوره روم (۳۰)، آیه ۲۰.

۳. سوره نساء (۴)، آیه ۵۹.

۴. سوره احزاب (۳۳)، آیه ۳۶.

۵. سوره نساء (۴)، آیه ۵۹.

- خدا پیامبر خویش را امر فرموده است میان مردم با آنچه او وحی کرده است حکم کند و او را نسبت به انحراف از آن هشدار می‌دهد: «وَأَنِ احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاتَّخِذْ لَهُمْ أَنْ يَفْتَنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ»^۱. بنابراین، انحراف از وحی برای هیچ کس جایز نیست و حتی پیامبر ﷺ مجاز به تشریع از پیش خود نیست.

- خداوند مسلمانان را از اخذ هر آنچه غیر از شریعت اسلام است، نهی کرده است. «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يَحْكُمُوا بِمَا نَازِلٌ»^۲. «يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ»^۳. بر اساس این آیات ما مجاز به نهی کردن از چیزی که خدا آن را حرام ندانسته، و پذیرش آنچه حلال ندانسته است، نیستیم. پس هر آنچه را پیامبر نیاورده است نمی‌توان اخذ و هر آنچه را او منع نکرده است، نمی‌توان منع کرد.

بنا بر شواهدی که ذکر شد، زلوم معتقد است مسلمانان مجاز به اخذ فرهنگ و تمدن غرب و آنچه نشئت گرفته از نظام و قوانین آنهاست نیستند، زیرا فرهنگ و تمدن غرب در تضاد با فرهنگ و تمدن اسلام است. تمدن غرب بر پایه عقیده جدایی دین از زندگی و در نتیجه جدایی دین از حکومت شکل گرفته است. اما تمدن اسلام بر پایه عقاید اسلامی شکل گرفته است که مبتنی است بر اینکه زندگی و حکومت باید مطابق با فرامین و نواهی خداوند، یا به عبارت دیگر، احکام شریعت باشد. تمدن غرب مبتنی است بر منافع مادی و به همین دلیل است که فاقد ارزش‌های روحی، اخلاقی و انسانی است. در فرهنگ غرب، خوش‌بختی به معنای تأمین بهترین سطح از لذت حسی است. اما در فرهنگ اسلام سعادت و خوش‌بختی همانا رسیدن به رضوان الهی و پرورش امیال مطابق با احکام شرعی است. پس برای مسلمانان جایز نیست که نظام حکومتی دموکراتیک، نظام اقتصاد سرمایه‌داری و آزادی عمومی، را که کشورهای غربی ارائه می‌دهند بپذیرند.^۴ بنابراین، کلیه تشکیلات و قوانین دموکراتیک، نظام‌های حکومتی جمهوری و پادشاهی، بانکداری

۱. سوره مائده (۵)، آیه ۴۹.

۲. سوره نساء (۴)، آیه ۶۵.

۳. سوره نساء (۴)، آیه ۶۰.

4. Abdul Qadeem Zalloom, *Democracy is a system of Kufr*, p. 33.

ربوی، بازار بورس و بازار جهانی پول، برای مسلمانان و کشورهای مسلمان غیرمجاز است و همه اینها نظام‌های کفر و قوانین کفر محسوب می‌شود که در تضاد کامل با نظام اسلامی است.^۱

کمونیسم، نظام کفر

از نگاه حزب التحریر، تمدن و فرهنگ کمونیسم نیز در تضاد کامل با تمدن اسلامی است. کمونیسم، که بر پایه ماتریالیسم دیالکتیک شکل گرفته است، مبتنی است بر عقیده نفی خالق برای عالم و اینکه اصل و اساس هر چیزی در این عالم، ماده است و این در حالی است که اساس اسلام را اعتقاد به خالق یکتا تشکیل می‌دهد.^۲

کفر بلاد اسلامی

همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد، حزب التحریر تمامی کشورهای اسلامی را که آموزه‌های سیاسی و اجتماعی غرب را پذیرفته‌اند، نظام کفر می‌داند. نهبانی، مؤسس حزب معتقد است همه بلاد اسلامی دارالکفر است. نهبانی سه دلیل را به نقل از برخی مجتهدان نقل می‌کند که به واسطه آنها دارالاسلام به دارالکفر مبدل خواهد شد:^۳

۱. ظهور احکام کفر در آن؛

۲. مجاورت با دارالکفر؛

۳. باقی نماندن مسلمان یا کافر ذمی که آمن به امان اسلام است در آن.

از نظر نهبانی، و بنا بر نظر برخی مجتهدان، ظهور احکام کفر در دارالاسلام به تنهایی می‌تواند دلیل تبدیل آن به دارالکفر باشد. از نظر وی، به این جهت دارالاسلام با ظهور

۱. زلوم در کتاب دموکراسی، نظام کفر می‌نویسد: «و علی ذلک فإنه لا يجوز أن يؤخذ نظام الحكم الديمقراطي، و لا نظام الاقتصاد الرأسمالي، و لا نظام الحريات العامة الموجودة عند الدول الغربية، فالدساتير و القوانين الديمقراطية، و أنظمة الحكم الملكية و الجمهورية، و البنوك الربوية، و البورصات و أسواق النقود العالمية، كلها لا يجوز أخذها، لأنها كلها أنظمة كفر، و قوانین کفر، تناقض مع أحكام الاسلام و أنظمتها»؛ عبدالقدیم زلوم، الديمقراطية نظام کفر، ص ۱۴.

2. Zalloom, Abdul Qadeem, *Democracy is a system of Kufr*, p. 34.

۳. تقی الدین النهبانی، الشخصية الإسلامية، ص ۲۴۷.

احکام کفر در آن به دارالکفر تبدیل می‌شود که نسبت دادن دارالکفر یا دارالاسلام به یک بلاد، به واسطه اضافه آن به کفر یا اسلام است، همان‌گونه که به بهشت «دارالسلام» و به دوزخ «دارالبوار» گفته می‌شود.^۱ بر این اساس و به جهت اینکه تمامی بلاد اسلامی امروزه با احکام اسلام اداره نمی‌شوند دارالکفر است و جهاد با آنها واجب خواهد بود. بلاد اسلامی به جهت اینکه عموماً بر اساس مکاتب و نظامات اجتماعی و سیاسی غرب اداره می‌شوند و احکام کفر را در ممالک خویش به کار بسته‌اند بلاد کفرند. حزب التحریر استقبال بلاد اسلامی از دموکراسی و پذیرش آن را دلیل کافی برای تبدیل آنها به دارالکفر می‌داند.

نقد مواضع حزب التحریر

خواجه بشیر احمد انصاری، متفکر افغان، در مقاله‌ای که با عنوان «نیم‌نگاهی به حزب التحریر» در روزنامه ماندگار افغانستان به چاپ رسانده است، با انتقاد شدید به رویکرد حزب التحریر در خصوص کفر بلاد اسلامی و دموکراسی، معتقد است حزب التحریر بدون توجه به مفهوم اصلی دموکراسی، آن را نظام کفر دانسته، به تبع همین فهم غلط از دموکراسی و نظامات سیاسی غرب است که به تکفیر بلاد اسلامی می‌پردازد. از نظر وی، دموکراسی یک نظام بی‌طرف است و مردمی که در چارچوب آن زندگی می‌کنند به آن رنگ می‌بخشند. دموکراسی فقط روشی برای اداره زندگی است و رابطه حاکم و محکوم و نظارت بر ارکان حکومت را تنظیم می‌کند، پس آنچه در مقابل دموکراسی قرار دارد، استبداد است نه اسلام.^۲ از نظر انصاری، حتی نظام سیاسی پیامبر ﷺ نیز بر مبنای رأی و نظر مردم مدینه بود و هجرت ایشان به مدینه نیز بر اساس دعوت ایشان شکل گرفت و این چیزی جز دموکراسی نیست. وی معتقد است فسادی که در دربار خلفای اسلامی دیده شده بسیار فراتر از فساد است که در جوامع دموکراتیک غربی وجود دارد. فساد نه

۱. همان، ص ۲۴۸.

۲. خواجه بشیر احمد انصاری، «نیم‌نگاهی به حزب التحریر».

محصول دموکراسی است، نه محصول خلافت اسلامی، بلکه این استبداد و فقدان نظارت بر حکام است که فساد می‌آفریند. هر روشی که بتواند این نظارت را تضمین کند به کاهش فساد کمک خواهد کرد.

حزب التحریر بدون توجه به ماهیت مفاهیم مربوط به نظام‌های اجتماعی و سیاسی متجدد غرب، آن را مخالف با آموزه‌های وحی تفسیر می‌کند و همه جوامع و ملل پذیرنده و مروج آن را دارالکفر می‌نامد. اگرچه برخی از آموزه‌های تمدن غرب بدون شک در تضاد با فرهنگ و تمدن اسلامی است، اما به نظر می‌رسد نمی‌توان همه دستاوردهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی غرب را در تضاد با آموزه‌های وحیانی دانست، همان‌گونه که نمی‌توان همه دستاوردهای علمای مسلمان را صد در صد مطابق با احکام شریعت اسلام قلمداد کرد. اداره جامعه از سنخ تدبیر بشری است و شریعت اسلام فقط تعیین‌کننده چارچوب‌های یک تدبیر صحیح است. بنابراین، حتی اگر روش پیامبر اسلام ﷺ را مطابق با اندیشه‌های سران حزب التحریر تفسیر کنیم، نمی‌توان معتقدان به روش‌های دیگر حکومتداری را تکفیر کرد. نگارنده، اگرچه دموکراسی را به شکلی که اکنون در بسیاری از کشورها در حال اجراست بسیار متزلزل می‌داند، اما هواداران آن را در کشورهای اسلامی فقط به ارتکاب یک خطا در تشخیص راه متهم می‌کند نه کفر و بی‌ایمانی.

حزب التحریر از یک سو استدلال می‌کند که چون در قرآن، انسان به استفاده از مواهب دنیا فرا خوانده شده و آسمان‌ها و زمین مسخر انسان قرار داده شده است، پس هر آنچه در شریعت، نص صریح در ممنوعیت آن وجود نداشته باشد مباح است و بر این اساس أخذ اندیشه‌های مرتبط با علم و صنعت و خلاقیت از ملل دیگر، جز موارد استثنا که در شریعت نهی شده، جایز است و با این وصف می‌توان ساخت سلاح‌های کشتار جمعی از هر نوع، حتی سلاح‌های اتمی و شیمیایی را فرا گرفت، آنها را تولید کرد و به کار برد. آنها با این توجیه که چون این حوزه مرتبط با اعمال انسانی نیست و جزء امور عام و مجازی است، گفته‌اند که می‌توان در این مورد از دنیای غرب تقلید کرد، غافل از اینکه

روی دیگر سکه جواز ساخت این گونه سلاح‌ها، تجویز، استفاده و به کارگیری آنهاست که بدون شک مربوط به اعمال حقیقی انسان است و بر اساس روش حزب التحریر باید در این حوزه به منابع مبتنی بر وحی، یعنی قرآن و سنت پیامبر ﷺ و اجماع صحابه، رجوع کرد. در فرهنگ قرآنی کشتن یک انسان بی‌گناه کشتن همه انسانیت دانسته شده است، پس با رجوع به قرآن و سنت پیامبر ﷺ نمی‌توان جواز تولید و به کارگیری سلاح‌هایی را نتیجه گرفت که بدون شک انسان‌های بی‌گناهی را به کام مرگ خواهد کشاند، و نسل‌هایی را به رنج ابدی خواهد افکند که هیچ دخالتی در نزاع پدران خود نداشته‌اند. از همین روست که خواجه بشیر احمد انصاری، نویسنده افغان، حزب التحریر را به نادیده انگاشتن یا کم‌توجهی به اصول اخلاقی متهم می‌کند.^۱

نتیجه و سخن پایانی

حزب التحریر، متأثر از افکار سلفی اخوان المسلمین، تلاش‌های خود را برای بازگشت به دوران خلافت اسلامی با مبارزه علیه نظام‌های سیاسی متجدد، به ویژه لیبرال‌دموکراسی غرب، آغاز کرده است و این حرکت خود را از سرگیری حیات اسلام می‌داند، گو اینکه همه روش‌های اداره جامعه جز خلافت و روش خلفای صدر اسلام کفر است. البته نگاه حزب التحریر به کمونیسم واقع‌بینانه‌تر است، زیرا برای هیچ یک از مکاتب الهی، آموزه‌های آن قابل پذیرش نیست.

با توجه به آموزه‌های حزب التحریر و مواضع منتقدان آن، باید گفت اندیشه‌های آنها در درون تناقضات بسیاری دارد، اما روش آنها در تهییج جوانان و مؤمنان به شریعت اسلام در جهت تحریک به اقدام جهادی علیه ابرقدرت‌های جهانی و آموزه‌های آنها و کشورهای سازش‌کار اسلامی، تا حدودی موفقیت‌آمیز به نظر می‌رسد و توجه به این مسئله برای فعالان و متفکران کشورهای که مستعد رشد چنین جنبش‌هایی هستند، مثل افغانستان، پاکستان و تاجیکستان اهمیت بیشتری دارد.

۱. همان.

منابع

۱. «حزب التحریر - تونس حزب التحریر فوق مکرمهم وفوق حساباتهم»، سایت رسمی حزب التحریر، ۵ جولای ۲۰۱۴ م، - <http://www.hizb-ut-tahrir.org/index.php/AR/wshow/2500>.
۲. انصاری، خواجه بشیر احمد، «نیم‌نگاهی به حزب التحریر»، کابل، *روزنامه ماندگار*، شماره ۱۱۴۰، ۲۵ شهریور ۱۳۹۲ ش.
۳. *حزب التحریر (تعریف)*، بیروت: دار الامة، ۱۴۳۱ ق.
۴. *حزب التحریر منهج حزب التحریر فی التغبیر*، بیروت: دار الامة، ۱۴۰۳ ق.
۵. حضرتی، حسن؛ قادری، عبدالواحد، «اندیشه سیاسی حزب التحریر»، در: *پژوهش‌های تاریخی*، اصفهان: دانشگاه اصفهان، شماره ۷، ۱۳۸۹ ش.
۶. زلوم، عبد القدیم، *الدمقراطیه نظام کفر*، بیروت: حزب التحریر، ۱۴۱۰ ق.
۷. شیروودی، مرتضی، «جهان شمولی حزب التحریر الاسلامی، زنگ خطری برای آمریکا»، در: *رواق اندیشه*، قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، ش ۴۷، ۱۳۸۴ ش.
۸. موسوی، سید رسول، «ازبکستان در مسیر انقلاب یا اصلاحات»، در: *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، تهران: وزارت امور خارجه، ش ۴۹، ۱۳۸۴ ش.
۹. النهبانی، تقی الدین، *الشخصیه الإسلامیه*، بیروت: دار الامة، ۱۴۲۴ ق.
۱۰. _____، *مفاهیم حزب التحریر*، بیروت: حزب التحریر، ۱۴۲۱ ق.
11. Zalloom, Abdul Qadeem, *Democracy is a system of Kufr*, London: Al-Khilafah Publications. 1995.

پژوهش‌نامه نقد و هابیت؛ سراج منیر ♦ سال چهارم ♦ شماره ۱۵ ♦ پاییز ۱۳۹۳

صفحات: ۸۴-۶۹ ♦ تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۴/۱۲ ♦ تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۰۹/۰۳



شدّ رحال برای زیارت قبر نبی اکرم ﷺ از منطریونندیه و ابن تیمیه علی ملاموسی میبیدی*

چکیده

سفر برای زیارت قبر نبی اکرم ﷺ نزد علمای اسلام از بافضیلت‌ترین اعمال به شمار می‌رود و تا اوایل قرن هشتم کسی با این عمل مخالفتی نداشت، تا اینکه ابن تیمیه حرّانی با استناد به حدیث «لا تشدّ الرحال» که بخاری و مسلم نقل کرده‌اند، سفر به زیارت قبر نبی اکرم ﷺ را بدعت دانست، و ادعا کرد اگر زائر به زیارت حریم نبوی مشرف می‌شود باید فقط به نیت مسجد النبی عازم شود و جایز نیست به نیت زیارت عزم سفر کند، علمای اسلام در قبال این فتوا مواضع تنّدی اتخاذ کردند و تا عصر حاضر در آثار خود با رد دلایل ابن تیمیه و تابعینش بر جواز این عمل تأکید می‌کنند. در این میان، دیوبندیان، که طائفه‌ای از احناف شبه‌قاره هستند، همانند دیگر گروه‌های اسلامی در برابر فتوای ابن تیمیه مقابله کردند. آنها فتوای حرمت شدّ رحال را خلاف اجماع مسلمین اعلام کردند و برداشت ابن تیمیه از دلالت حدیث «لا تشدّ الرحال» را ناصحیح خواندند و قائل شدند که زائر مدینه منوره می‌تواند به قصد زیارت حریم نبوی ﷺ عزم سفر کند.

کلیدواژه‌ها: زیارت قبر نبی اکرم ﷺ، شدّ رحال، ابن تیمیه، دیوبندیه.

مقدمه

دیوبندیه به طائفه‌ای از علمای حنفی در شبه‌قاره هند و غیر شبه‌قاره اطلاق می‌شود که مسلک جامعه دارالعلوم دیوبند را داشته باشند، به طوری که رویکرد فکری آنها متأثر از تفکرات شیخ احمد سرهندی و شاه‌ولی‌الله دهلوی باشد، و رویه فکری مؤسس دارالعلوم دیوبند، محمد قاسم نانوتوی، و شیخ احمد گنگوهی و شیخ محمد یعقوب نانوتوی را ادامه دهند، خواه از فارغ‌التحصیلان حوزه علمیه دارالعلوم شهر دیوبند باشند یا از مدارس دیگر در شبه‌قاره یا در اقصی نقاط عالم.^۱

دیوبندیان گرچه، از طریق شاه‌ولی‌الله دهلوی، به نحوی متأثر از تفکرات سلفی ابن تیمیه هستند و او همانند ابن عربی صوفی، برای آنها جایگاه ویژه‌ای دارد، اما چنین تعاملی به این معنا نیست که آنها در تمامی آراء از ابن تیمیه متأثر شده باشند، و همانند وهابیان تابع افکارش باشند، بلکه آنها در بسیاری از مسائل با هم اختلاف دارند. یکی از مسائل اختلافی بین آنها، مسئله شدّ رحال و سفر برای زیارت قبر نبی اکرم ﷺ است. ابن تیمیه در این مسئله فتوا به حرمت داده است، اما دیوبندیان نه تنها جایز می‌دانند، بلکه آن را از افضل مندوبات برمی‌شمارند. در این مقاله می‌کشیم با مراجعه به کتب دست‌اول بزرگان دیوبند درباره این مسئله، عمق تفاوت رویکرد بین ابن تیمیه و وهابیان - که تابع افکار ابن تیمیه هستند - و دیوبندیان را - که به نحوی متأثر از اندیشه ابن تیمیه هستند - بکاوییم.

شدّ رحال

«رحال» جمع «رحل» است، و «رحل» چیزی است همانند زین اسب که بر روی شتر می‌گذارند. از آنجایی که محکم کردن رحل شتر لازمه سفر کردن است، عرب «شدّ رحال» را به صورت کنایه در مطلق سفر به کار می‌برد، و هیچ فرقی بین انواع سوار شدن

۱. محمد طیب، علماء دیوبند عقیده و منهجاً، ص ۷۲.